مفتوح نشد و برین نازل نشد بود هرگز امروز پس آن فرشته سلام کرد و گفت یا محمد بشارت باد ترا بدو نور که حضرت ملک غفور بتو عطا
کرده و هیچ پیغمبر را چنین تشریف ارزانی نداشته یکی فاتحة الکتاب دیگری خواتیم سورهٔ بقره هیچ حرفی نخوانی ازین هر دو که
الهی بکرامت آنرا بدهند آنچه میخواهی پس این عطیه فرموده آنچه گروهی از علما گمان برده اند و از مضمون این حدیث فهم فرموده که چنانست
بلکه از فحوای این کلام هدایت انجام چنان مفهوم میشود که نزول جبرئیل پیش از ان فرشته جهة آن بوده تا آنحضرت را از نزول
آن فرشته و آنچه بدو نازل شد آگاهی دهد پس جبرئیل ع در نزول آن شریک باشد و حقیقت آنست که جبرئیل ع در مکه بتلاوت فاتحه
فرود آمده و فرشته در مدینه بثواب و فضیلت آن نکتهٔ رابع در عدد آیات فاتحه و حصر آن در سبع کامله بدانکه آیات فاتحه
باتفاق جمهور علما هفتست و قول جمعی که تسمیه و صراط الذین انعمت علیهم را آیه ندانند و گویند فاتحه شش آیه است و سخن عمرو بن
عبید که آن هر دو را آیه دانند و ایاک نعبد را نیز آیتی شمرده و عدد آیات فاتحه بهشت رسانند مرجوحست چه باحادیث صحیحه انحصار
آیات فاتحه در عدد هفت ثابت شده است اما دیگر باره دران اختلاف کرده اند و منشاء اختلاف تسمیه است قراء
کوفه و مکه بسمله را آیهٔ اولی دانند از فاتحه و صراط الذین تا آخر آیتی شمرند و قول شافعی و اغلب از متابعان احمد حنبل اینست و قراء
مدینه و بصره و شام بسم الله را آیتی از فاتحه ندانند و صراط الذین انعمت را آیتی شناسند و حنفی و مالکی برین رفته اند و اگر کسی
از اهل تقویت قول سابق راس الآیه ندانند و گوید تناسبی که باقی آیات فاتحه با یکدیگر است با این آیه نیست و آن وجود حرف
مد است قبل از حرف اخیر و موافقت حرف اخیر بی حرف مد معتبر و کافی نیست چنانچه تتبع آیات قرآنی شاهد این معنی است و تنوع
آیتی که فاصل او غیر مناسب باشد در اثنای آیات مناسبة الفواصل مستلزم تنافر ذوق سلیم و طبع مستقیم است در قرآن مثل
این هیچ جای نزول نیافته باید که اینجا نیز نباشد جواب و همانست که تعیین آیات قرآنی بوضع شارعست نه بطبع متصرف
هرچند تناسب فواصل از اسلوب فصاحت است اما قبل ازین مذکور شد که یکی از وجوه اعجاز قرآنی مخالفت اوست باسالیب کلام
فصحا و اینجا از انجا خواهد بود و دلیل دیگر آنکه فاتحه بی بسمله هفت آیه تواند بود همان حدیث قسمة الصلوة است چه از لفظ به
نصفین چنین معلوم میشود که نصفی ازین سوره تعلق بحق دارد و نصفی به بنده و هیچکس از اهل اسلام را دران خلاف نیست که سه
آیهٔ اول خاص حق است و در آیهٔ رابعه بین العبد و الرب از عبادیة و معبودیة و استعانة و اعانة معنی بینی و بین عبدی
ظاهر میشود پس باید که بنده را نیز سه آیه خاصه باشد تا تقسیم بنصفین راست آید و در تفسیر قرطبی آورده که آنچه دلالت میکند
که از اهدنا تا آخر سه آیت میتوانند قول ائمه کلست در اخراج حدیث قسمة الصلوة آنجا که میگوید هؤلاء لعبدی و میگوید
مانان و امام محی السنه در معالم التنزیل برین وجه آورده که فهؤلاء لعبدی و حضرت شیخ قدس سره در فتوحات آورده که از فاتحه
سه آیهٔ اول افراد الهیت و سه آیهٔ آخر افراد عبدی و ایاک از وسط ملحق است با فراد الهی پس هر آینه نعبد و نستعین ملحق باشد
عبدی شد حاصل این تقسیم آنست که فاتحه را بی تسمیه هفت آیه دانند اگرچه سور هفت آیه بیش نیست اما اسرار هفت
آسمان و زمین در مطاوی کلماتش اندراج یافته بلکه در ضمن هر آیتی صد هزار حکمت صوری و معنوی و احکام دینی

دینی

و دنیوی در لطایف عرفانی و ظرایف ایقانی و اسرار توحید و لوامع تجرید و فصوص آیات و فصوص هدایت و انواع عنایت و لوامع
درایت و عجایب ملکوتی و غرایب جبروتی ودیعت نهاده اند قطعه ام الکتاب گرچه بیش هفت آیتست اسرار پنج و هفت و نه و
چار و شش و راست سکر نقب کلماتش ز هفت چندین هزار گشته فوای خوش در مست و آنکه حق سبحانه و تعالی ذکر آیات این
سوره فرموده و لقد آتیناک سبعا من المثانی و تو من عدد هیچ سورهٔ دیگر نفرموده و آنرا منیه سری خواهد بود ارباب تفسیر و تذکیر را
درین باب نکتهاست از جمله آنکه در تفسیر کبیر آورده که اسباع قرآنی هفت پس عن فاتحه هفت آیه آمد تا هر آیتی در فضیلت
و ثواب تلاوت با سبعی از قرآن برابری کند دیگر آنکه درکات نیران هفت واقع شده و آیات این سوره نیز بهمان عدد مقرر
گشته تا هر آیتی مانع دخول قاری باشد در درکه ازان و گفته اند فاتحه هفت آیه است جهة آنکه اصول اهل بدعت هفت فرقه اند کافران
که خدا را نشناسند خوارج که بندگان را از رحمت حق نومید گردانند دهریه که حشر و نشر را منکر باشند قدریه که خود را در عمل خالق
شریک دانند ملاحده که از راه راست که ظاهر شریعت منحرف کرده اند فلاسفه که راه سبل السلیم ندارند گمراهان که از راه روش محمدی
بی بهره باشند خدای تعالی برین هفت آیه رد آن طایفه میفرماید کافران را دعوت میکند که مرا بشناسید که مستحق ثنای لایق
پرورنده جمیع خلایق منم که الحمد لله رب العالمین خوارج را منع میفرماید که بندگان مرا شربت ناامیدی مچشانید که بخشاینده
مهربان بر صغار و کبار منم الرحمن الرحیم و دهریان را میگوید که روز بعث و جزا را منکر مشوید بقیام قیامت اقرار کنید که پادشاه
آن روز منم مالک یوم الدین قدریان را سرزنش میکند که روی عبادت و سر تسلیم بر زمین نهید و استعانت و توفیق
از من طلبید که قادر و مختار منم ایاک نعبد و ایاک نستعین ملاحده را توبیخ میکند که روی از راه باطل بگردانید و منهج مستقیم شرع را
لازم گیرید که نماینده آن راه منم اهدنا الصراط المستقیم فلاسفه را میفرماید که دوستان انبیا و اعقاب اصفیا را انکار مشوید و بیت
ارادت در دامن طاعت ایشان زنید که نعمت دهنده بر ایشان منم صراط الذین انعمت علیهم گمراهان را تهدید میکند
که از بادیهٔ خذلان و ماویهٔ طغیان بظلال اعمال عنایت و سایهٔ اقبال جماعت پیغمبر برگزیده و حبیب پسندیده من استظلال کنید
که انتقام کشنده از گمراهان و غضب کننده بر ایشان منم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین و جمعی چنین فرموده اند
که آیات را هفت چراست که انسانیهٔ او بدانها قائم باشد جسمی طبیعی نفسی قلبی روحی سری خفی و هر یک ازین هفت را بچیزی
بسته اند که کمال او دران است جسم را به پرورش و آسایش و طبع را بتمییز نیک و بد و نفس را بمعرفت بندگی و دل را بشناختن
مراتب رحمت و رافت و روح را بتحقیق آثار معاد و سر را بادراک فواید هدایت و خفی را بدریافت عواید نعمت حکمت
پس فاتحه را هفت آیه معین کرد و هر یک ازین سبعهٔ مذکوره را از آیتی بهره مند ساخت جسمش را میگوید که تربیت و تقویت
از من که پرورندهٔ عالم الحمد لله رب العالمین طبعش را میفرماید که مدد رحمت از فضل من شناس که بخشایندهٔ عالم الرحمن
الرحیم و روحش را اشاره میکند که بحقیقت معاد و رجوع بحضرت من پیدا شو که جزا دهندهٔ عالم مالک یوم الدین نفس را راه
مینماید که بدرگاه من بندگی پیش آر و کسی که پیشکش کند و کشته شده عالم ایاک نعبد و ایاک نستعین سرش را

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)